



بیشتر به صورت حرکت دسته‌ها بود. در سال ۳۵۲ هجری موعظ الدوله دیلمی دستور می‌دهد که بازار بغداد را ببندند و به مناسبت شهادت امام حسین در سال ۶۱ قمری، از اول محرم حرکات دسته‌های عزاداری صورت می‌گیرد که بعضی منابع می‌گویند در ۳۵۲ و بعضی می‌گویند ۳۵۳ اولین حرکت دسته‌جات و اولین سوگاری بوده است. بعدها در طول زمان به حرکت دسته‌ها، نقش گردانی و پس از دوره صفویه روضه خوانی اضافه می‌شود و بعدها از نوحه خوانی استفاده می‌کنند و بعد مرثیه خوانی به این‌ها اضافه می‌شود. از یک جایی به بعد دسته‌جات توقف می‌کنند و ابیات تقسیم می‌شود و شکل‌گیری تعزیه صورت می‌گیرد. این موضوع هم مربوط به دوره زندیه است، چون اصلاً قبل از دوره زندیه تعزیه وجود ندارد. عناصر سازنده و پردازنده تعزیه هم ۱۲ مورد است. یعنی راز درخشش تعزیه در برهه‌ای از زمان و پذیرش حیرت‌انگیز آن از سوی عامه مردم و حمایت از سوی بزرگان کشور و شاه‌ی‌ارتباط با همبستگی حیرت‌آور اجزا و عوامل تعزیه نیست.

هر یک از این ۱۲ مورد می‌توانستند بر احساسات و اندیشه تماشاگر ایرانی تسلط پیدا کنند.



بعد از تاج گذاری رضا شاه از سال ۱۳۱۴ او دستور می‌دهد این مراسم‌های آیینی که وجود داشته ممنوع شود و این ممنوعیت ادامه پیدا می‌کند. البته در گوشه و کنار کشور انجام می‌شد ولی اگر می‌دیدند جلوی آن را می‌گرفتند و یا نمی‌گذاشتند پر و بال بگیرد

عادت به ذکر یا ثبت سندی نداشتیم و در واقع تاریخ ما شفاهی است و دیگران برای ما نوشتند. در سال ۱۶۴۱ قمری یعنی تقریباً ۲۵۰ سال قبل، در زمان شاه طهماسب صفوی، بازرگان فرانسوی به نام دومونترون نامه‌ای از اصفهان به مقصد پاریس می‌نویسد. در این نامه‌اواز مشاهده محادثه می‌گوید. قطعاً محادثه نقش گردانی نیست. این نامه هم اکنون در یکی از موزه‌های پاریس نگهداری می‌شود. در عین حال به هیچ وجه سندی برای مشاهده تعزیه در دوره صفویه وجود ندارد. اینکه گفته می‌شود در دوره صفویه تعزیه بوده است، به هیچ وجه ما سندی در این خصوص نداریم. اگر تعزیه بوده که نیست حتما شوالیه شاردن در کتاب ۱۰ جلدی‌اش که در دوره صفویه به ایران و شهر اصفهان که پایتخت صفویه بوده است آمده بود و حتماً اگر تعزیه‌ای می‌دید آن را می‌نوشت. در صورتی که از کلیه آداب و رسوم زندگی مردم در آن کتاب نوشته است. آدام اولتاریوس در همان زمان یعنی ۱۶۳۷ میلادی به ایران آمده بود و مراسم سوگاری را که در اردبیل دیده بود در گزارش خود نوشته است و می‌گوید: از جمله چیزهایی که دیدم مراسم گاه افشانی بود و از عزادارانی که بیشتر خردسال بودند یاد می‌کند و می‌گوید عزاداری

می‌خواهند که بارد این درخواست روبرو شدند و سپس جنگ در گرفت. شخصی که نقش حضرت عباس را بازی می‌کرد لباسی پوشیده بود که دو آستین او بدون دست از دو طرف بدنش آویزان بود؛ گویی که دست‌های او را بریدند. او نقشش را چنان طبیعی بازی می‌کرد که صدای گریه حضار را به دنبال داشت و با فریاد یا حسین یا حسین و صدای سنج نمایش بعد جادویی پیدا کرده بود. این قدیمی‌ترین سند تعزیه است. دومین سندی که نشان می‌دهد تعزیه در ایران انجام می‌شد، مربوط به ۲۱ سال پس از مشاهدات کارستن نیبور است. ویلیام فرانکلین کتابی به نام مشاهدات سفر از بنگال به ایران دارد که در آن آورده است نمایش تعزیه را در دوره زندیه یعنی سال ۱۷۹۰ و در واقع ۲۱ سال پس از مشاهدات نیبور، در شیراز مشاهده کرده که در چند شب ادامه داشته است. پس بنابراین اولین سند مربوط به جزیره خارک بوده است.

این سوال برای ما پیش می‌آید که کشور به این وسعت چرا ما گزارش چندانی از تعزیه در آن نداریم؟ برای اینکه ما ایرانی‌ها عادت به نوشتن و